



The Iranian Association of
Medical Law



The Bioethics and Health
Law Institute

The Basis of the Holding Company's Responsibility Towards its Subsidiaries in Iranian and American Law

Farideh Amirian Jahromi¹, Seyed Mohsen Hosseini Pouya^{2*}, Mojtaba Zahedian²

1. Department of Law, Neyshabour Branch, Islamic Azad University, Neyshabour, Iran.

2. Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: A holding company is a company that controls the activities of other companies by owning shares. Holding can also be considered as a controlling company whose main activity is buying shares of one or more other companies with the aim of managing said companies. The companies whose control is in the hands of the holding company are called subsidiaries or subsidiary companies, creating a relationship of subordination and dependence between two companies, which is often done with the aim of obtaining maximum profit, can lead to abuse in some cases.

Method: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: Research shows that each state in America has its own basic guidelines regarding companies and they are different from each other; At the same time, federal law has specified minimum trading standards, most of which are found in the Securities Act of 1933.

Conclusion: It seems that this definition does not make a proper distinction between holding and investment companies and determine a specific position for subsidiaries, affiliates and related companies in financial and commercial laws. Due to the lack of comprehensive and technical laws and regulations in the field of holding companies, the terms holding company and investment company are used equally, while each type should have its own regulations, the public opinion is that the holding company, is an investment company, while from the legal point of view, the structure of these two companies is different and distinct from each other.

Keywords: Holding Company; Vicarious Liability; Subsidiary Company; Third Parties

Corresponding Author: Hosein Ahmari; **Email:** m.hoseini.p@mshdiau.ac.ir

Received: April 30, 2023; **Accepted:** July 08, 2023; **Published Online:** October 02, 2023

Please cite this article as:

Amirian Jahromi F, Hosseini Pouya SM, Zahedian M. The Basis of the Holding Company's Responsibility Towards its Subsidiaries in Iranian and American Law. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e25.



مجله حقوق پزشکی

دوره شانزدهم، ویژه نامه تحولات حقوقی، ۱۴۰۱

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>

انجمن علمی حقوق پزشکی ایران

مبنای مسئولیت شرکت هلدینگ در قبال شرکت‌های تابعه در حقوق ایران و آمریکا

فریده امیریان جهرمی^۱، سیدمحسن حسینی پویا^{۲*}، مجتبی زاهدیان^۲

۱. گروه حقوق، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: هلدینگ به شرکتی گفته می‌شود که از طریق داشتن مالکیت سهام سایر شرکت‌ها، فعالیت‌های آن‌ها را کنترل می‌کند. همچنین می‌توان هلدینگ را شرکت کنترل‌کننده‌ای دانست که فعالیت اصلی آن خرید سهام یک یا چند شرکت دیگر با هدف مدیریت شرکت‌های مذکور است. شرکت‌هایی که کنترل آن در اختیار هلدینگ است شرکت‌های تابعه یا فرعی گفته می‌شوند، ایجاد رابطه تبعیت و وابستگی میان دو شرکت که اغلب با هدف کسب حداکثر سود صورت می‌پذیرد، در مواردی هم می‌تواند منجر به سوءاستفاده گردد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی است و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: بررسی‌ها نشان می‌دهد هر ایالتی در آمریکا دستورالعمل‌های اساسی مخصوص به خود را در رابطه با شرکت‌ها دارد و با یکدیگر متفاوت هستند، در عین حال قانون فدرال حداقل استانداردهای مربوط به تجارت را مشخص کرده است که بیشتر آن‌ها در قانون اوراق بهادار ۱۹۳۳ یافت می‌شود.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد این تعریف تمایز درستی بین شرکت‌های هلدینگ و سرمایه‌گذاری و تعیین جایگاه مشخصی برای شرکت‌های تابعه، فرعی و وابسته در قوانین مالی و تجاری قائل نشده است. به علت فقدان قوانین و مقررات جامع و فنی در زمینه شرکت‌های هلدینگ، اصطلاح شرکت هلدینگ و شرکت سرمایه‌گذاری، به طور یکسان به کار برده می‌شود، در حالی که هر قسم باید مقررات خاص خود را داشته باشد، تصور عموم بر این است که شرکت هلدینگ، یک شرکت سرمایه‌گذاری است، در حالی که از نظر حقوقی، ساختار این دو شرکت با یکدیگر متفاوت و متمایز است.

واژگان کلیدی: شرکت هلدینگ؛ مسئولیت نیابتی؛ شرکت تابعه؛ اشخاص ثالث

نویسنده مسئول: سیدمحسن حسینی پویا؛ پست الکترونیک: m.hoseini.p@mshdiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۷؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۱۰

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Amirian Jahromi F, Hosseini Pouya SM, Zahedian M. The Basis of the Holding Company's Responsibility Towards its Subsidiaries in Iranian and American Law. Medical Law Journal. 2022; 16(Special Issue on Legal Developments): e25.

مقدمه

هلدینگ به شرکتی گفته می‌شود که از طریق داشتن مالکیت سهام سایر شرکت‌ها، فعالیت‌های آن‌ها را کنترل می‌کند. همچنین می‌توان هلدینگ را شرکت کنترل‌کننده‌ای دانست که فعالیت اصلی آن خرید سهام یک یا چند شرکت دیگر با هدف مدیریت شرکت‌های مذکور است.

ماهیت حقوقی شرکت‌های هلدینگ بسته به نظام‌های حقوقی متفاوت است و در حال حاضر تعریف جامع و یکنواختی از مفهوم شرکت هلدینگ و شرکت تابعه وجود ندارد. بررسی ماهیت حقوقی شرکت‌های هلدینگ در قوانین مختلف از این جهت حائز اهمیت است که فقدان قانون مشخص در رابطه با شرکت‌های هلدینگ در قانون تجارت ایران، به دلیل به روز نبودن این قانون و در نتیجه عدم تعریف جامع و مانع از این شرکت‌ها، سبب شده است که در تعاریفی که در ایران از شرکت هلدینگ ارائه می‌شود، بعضاً با شرکت‌های مشابه آن در یک معنی به کار گرفته شود.

باید توجه داشت که شرکت‌های هلدینگ به دلیل وسعت فعالیت آن‌ها مسلماً دارای تبعات حقوقی گسترده نیز هستند و با عنایت به اینکه دکترین حقوقی و قوه تقنینی کشور با توجه به نوظهور بودن این شرکت‌ها، نسبت به جوانب حقوقی آن و مسئولیت آن ساکت است، لذا بررسی آن‌ها و ماهیت و نوع مسئولیتشان در مقابل اشخاص ثالث که به واسطه فعالیت‌های شرکت‌های تابعه ممکن است دارای مطالباتی اعم از قرار دادی یا غیر قرار دادی باشند از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار است، در نتیجه ضرورت ایجاد می‌کند که قوانین سایر کشورها از جمله آمریکا در این مورد بررسی شود تا با الهام‌گیری از آن‌ها مقرراتی را جهت هدفمندی بیشتر و کارآمدتر شدن این شرکت‌ها در ایران تأسیس کنیم.

پیش از دهه ۱۹۳۰، در برخی از ایالات آمریکا بنا بر مواردی، شرکت‌های هلدینگ جهت رفع مشکل مشخص و بعضاً مقطعی و محدود، در قوانین ویژه‌ای قانونگذاری می‌شدند، مثلاً در ایالت نیوجرسی قبل از سال ۱۸۸۸، شرکت‌های هلدینگ منحصرأ تحت عنوان قانون ویژه‌ای در رابطه با شرکت‌های راه

آهن و ارتباطات تأسیس شدند. در آن زمان ایالت نیوجرسی بنا بر مصالحی به قانون شرکت عمومی خود، مقررات مربوط به اجازه یک شرکت برای مالکیت سهام در شرکت دیگر را اضافه کرد. در پنسیلوانیا نیز در بین سال‌های ۱۸۶۸ و ۱۸۷۲، حدود ۴۰ شرکت به عنوان شرکت هلدینگ به دلیل محدودیت‌های ویژه قانونی در آن زمان تأسیس شدند. این شرکت‌ها انجام دادن فعالیت‌هایی را به عهده‌داشتن که شرکت‌های تابعه به صراحت ممنوع از انجام آن بودند.

قانون تجارت ایران مهم‌ترین مجموعه مدون قوانین مربوط به امور بازرگانی در ایران است که اساس حقوق تجارت ایران را تشکیل می‌دهد. این قانون در سیزدهم اردیبهشت سال ۱۳۱۱ در ششصد ماده توسط مجلس شورای ملی تصویب شد که بر مبنای قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه ترجمه و تهیه شده است. گفتنی است تنها تغییر در این قانون به سال ۱۳۴۷ برمی گردد که موارد مربوط به شرکت‌های سهامی به آن اضافه شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخلاف همه تلاشی که برای اسلامی کردن قوانین مصوب قبل از انقلاب صورت گرفت، قانون تجارت دست‌نخورده باقی ماند. قریب به اتفاق حقوقدانان ایران، قانون مذکور را ناکافی و بیش از اندازه ناقص و مبهم می‌دانند. کهنه‌بودن قوانین مربوط به قانون تجارت، سکوت قانون در عرصه‌های جدید تجارت جهانی، چندپارگی و قوانین پراکنده و اصلاحات فراوان قانون فعلی باعث شد تا با گذشت ۸۰ سال از قانون تجارت ایران، در سال ۱۳۸۱ مسئولین تصمیم به تدوین لایحه جامع قانون تجارت بگیرند.

روش

این پژوهش از نوع نظری بوده و روش پژوهش به صورت توصیفی - تحلیلی است و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

یافته‌ها

هدف از تحقیق حاضر تحلیل حدود مسئولیت شرکت هلدینگ در کشور آمریکا و تطبیق آن با اصول حقوقی ایران است.

بحث

۱. **شخصیت حقوقی شرکت‌های هلدینگ: ماهیت حقوقی**
این شرکت‌ها می‌توان گفت به نوعی یک «سهامدار حرفه‌ای» هستند که درصددند تا با خرید سهام سایر شرکت‌ها علاوه بر هم‌افزایی و به حداکثر رساندن سود، از هدر رفتن زمان و هزینه جلوگیری به عمل آورد، در نتیجه شرکت مادر یک «سهامدار ویژه» است که افزون بر مالکیت سهام شرکت تحت پوشش همچون یک سهامدار عادی، کنترل و اداره شرکت‌های تحت پوشش را نیز در دست دارد (۱).

در ادغام شرکت‌ها کلیه اموال منقول و غیر منقول، مطالبات، قراردادهای، دعاوی له و علیه شرکت، حقوق معنوی و نیز کلیه دیون و تعهدات شرکت تجاری ادغام‌شونده به شرکت تجاری ادغام‌کننده منتقل می‌شود، شرکت مادر از شرکت مادر (Holding Company/Parent Company) که به شرکت هلدینگ یا شرکت دارنده، شرکت کنترل‌کننده، شرکت مالک، شرکت صاحب سهم و شرکت اصلی نیز یاد می‌شود، تعاریف متعددی ارائه شده است. شرکت مادر، سازمان بزرگ مالی است که با قبضه کردن سهام شرکت‌ها و سازمان‌های دیگر به صورت مرضی‌الطرفین یا به جبر تشکیل می‌شود و از نظر حقوقی تمامی اختیارات شرکت‌های عضو را بر عهده می‌گیرد (۲). شرکت مادر، شرکتی است که از طریق داشتن مالکیت سهام، فعالیت‌های شرکت‌های دیگر را کنترل می‌کند. در تعریف دیگر، شرکت کنترل‌کننده که فعالیت اصلی آن خرید سهام قابل کنترل (بیش از ۵۰ درصد سهام) یک یا چند شرکت دیگر می‌باشد، شرکت مادر اطلاق گردیده است (۳).

۲-۱. **شخصیت حقوقی شرکت‌های تابعه: شرکت‌های تابعه**
به عنوان یک نهاد جداگانه به عملیات اجرایی تصمیماتی که شرکت هلدینگ رفته است می‌پردازد و کوچک‌ترین کنترل مالی و اقتصادی بر فعالیت‌های خود ندارند شرکت‌های تابعه

در حالی که از نظر مالکیت و دارایی مستقل نیستند، اما اگر حتی ۱۰۰ درصد سهام شرکت فرعی در تملک شرکت هلدینگ باشد موجودیت شرکت فرعی از بین نمی‌رود و کماکان شخصیت حقوقی ثابت خود را خواهد داشت (۴).

مؤسسات یا سازمان‌های یادشده باید برابر صلاح و صرفه افراد تحت شمول (بازنشستگان، مستمری‌بگیران و شاغلان) و ماهیت مشاعی بین‌النسلی و مشابه حق‌الناسی سرمایه‌های آنان را حفاظت و صیانت کنند. بنابراین برای نظام‌مند کردن فعالیت شرکت‌ها طبق مقررات عمومی کشور آن‌ها را در اداره کل ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به ثبت می‌رسانند، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و شرکت‌های تابعه آن پس از ثبت، به موجب اساسنامه تصویبی مجمع عمومی (برگرفته از مفاد لایحه قانونی اصلاح موادی از قانون تجارت و قانون تجارت) هیأت‌مدیره خود را پس از انتخاب توسط این مجمع در خود می‌بینند (۵). این هیأت مطابق اساسنامه شرکت، آیین‌نامه‌های وضع‌شده توسط خود یا مجمع عمومی و حسب مورد در موارد سکوت برابر لایحه و قانون یادشده درباره خط مشی و فعالیت‌های اصلی شرکت تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری می‌کند که این مصوبات توسط مدیرعامل که ممکن است عضو هیأت‌مدیره شرکت باشد یا خارج هیأت‌مدیره، به مرحله اجرا درآید، هرچند شرکت‌های سهامی موضوع این مقاله طبق آیین‌نامه‌های داخلی، اساسنامه و در موارد سکوت، برابر لایحه قانونی اصلاحی موادی از قانون تجارت و قانون تجارت اداره می‌شود، ولی به لحاظ اینکه مالک و صاحب اصلی آن‌ها یعنی سازمان‌های (صندوق‌های) یادشده، به عنوان وکیل و امین بیمه‌شدگان اصلی و تبعی هستند. از این رو مدیران عالی (مجمع عمومی شرکت‌های سرمایه‌گذاری) بر نحوه عملکرد و اداره این شرکت‌ها، نظارت استطلاعی و استصوابی دارند و شرکت‌های مزبور ملزم هستند تا برابر تصمیمات و رهنمودهای این مجمع عمل کنند (۶). شرکت تابعه به شرکت‌هایی اطلاق می‌شود که شرکت مادر آن‌ها را تحت کنترل خود دارد. از شرکت تابعه ممکن است با دو مفهوم یاد شود؛ یکی شرکت فرعی (Subsidiary Company)

و دیگری شرکت وابسته (Affiliated Company). در تعریف شرکت فرعی چنین آمده است: «شرکتی است که درصد سرمایه‌گذاری شرکت اصلی در آن بیش از ۵۰ درصد بوده و یا کنترل آن در اختیار شرکت اصلی است.» در مقابل، «شرکت وابسته به شرکتی اطلاق می‌شود که مدیریت آن از سوی شرکت مادر تعیین و کنترل می‌شود ولی سرمایه‌گذاری شرکت مادر در آن کمتر از ۵۰ درصد سهام می‌باشد (۷).

۲. مرجع تصویب، اصلاح یا تغییر اساسنامه شرکت هلدینگ: موضوع شرکت دارای دو مفهوم متفاوت است. از نظر حقوق شرکت‌های تجاری، موضوع شرکت به آن فعالیتی گفته می‌شود که شرکت برای انجام‌دادن آن تشکیل می‌شود. این فعالیت معمولاً در اساسنامه معین می‌شود، اما در شرکت‌نامه نیز باید معین شود، والا قرارداد بدون موضوع تلقی خواهد شد. تعیین موضوع شرکت، در موجودیت آن تأثیری اساسی دارد. هرگاه شرکت فعالیتی غیر مشروع را دنبال کند، باطل است و هر ذی‌نفعی می‌تواند بطلان شرکت را تقاضا نماید. مفهوم دیگر موضوع شرکت، فعالیت شرکت است که ممکن است صور گوناگون به خود بگیرد: بهره‌برداری از مواد اولیه، نفت و سوخت‌های منشعب از آن، مواد معدنی و فلزات، مواد شیمیایی و دارویی تا کاغذ و مقواسازی، فعالیت در زمینه امور الکترونیکی و کامپیوتری، بیمه، بانکداری و... در این قسمت به بررسی مرجع تصویب اصلاح یا تغییر اساسنامه شرکت‌های دولتی به طور کلی خواهیم پرداخت و این موضوع را در برهه‌های زمانی گوناگون مطالعه می‌کنیم و سپس به شرکت‌های مادر تخصصی می‌پردازیم (۸).

- مرجع تصویب پیش از ۸ بهمن ۱۳۶۶: تحقیق در قوانین و اساسنامه‌های مربوط به شرکت‌های دولتی نشان می‌دهد که پیش از تصویب قانون تعیین مرجع تصویب و یا اصلاح و تغییر اساسنامه شرکت‌ها و مؤسسات تابعه وزارتخانه‌ها تصویب تغییر و اصلاح اساسنامه‌های این شرکت‌ها مورد عهده کمیسیون‌های مجلس هیأت وزیران و مجلس شورای اسلامی و یا کمیسیون‌های مجلس بوده است.

- از تاریخ ۸ بهمن ۱۳۶۶ تا ۱۳۶۸: ماده واحده قانون بالا که از تاریخ ۸ بهمن ۱۳۶۶ لازم‌الاجرا شده است، مقرر می‌دارد که تصویب و یا انجام هرگونه تغییر و اصلاح در اساسنامه مؤسسات و شرکت‌های تابعه وزارتخانه‌ها که طبق مجوزهای قانونی ایجاد شده یا می‌شوند با کسب مجوز از مجلس شورای اسلامی در هر مورد بنا به پیشنهاد وزارت و تأیید سازمان امور اداری و استخدامی بر عهده هیأت وزیران خواهد بود.

- از تاریخ ۶۸ به بعد: قسمت دوم اصل ۸۵ قانون اساسی که در پی بازنگری شهریورماه ۱۳۶۸ به این اصل اضافه شده است، مقرر می‌دارد: مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با رعایت اصل ۷۲ به کمیسیون‌های مربوط به آن واگذار کند و یا اجازه تصویب آن‌ها را به دولت بدهد و در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور و یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب در اصل ۹۶ با شورای نگهبان است (۹).

۲-۱. مرجع ایجاد شرکت‌های هلدینگ: تقاضای ثبت شرکت هلدینگ، ابتدا درخواست خود را مطابق فرم «تقاضای صدور مجوز تأسیس شرکت مادر (هلدینگ)» به همراه فرم «پرسشنامه مشخصات داوطلب ثبت شرکت هلدینگ (مادر) سمت مدیرعاملی یا عضویت در هیأت‌مدیره نهاد مالی»، تکمیل‌شده توسط اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل پیشنهادی برای مدیریت نظارت بر نهادهای مالی سازمان بورس اوراق بهادار ارسال می‌کند. سازمان پس از بررسی مدارک، در صورت تکمیل‌بودن و احراز شرایط لازم، موافقت اصولی خود را با تأسیس شرکت ابلاغ می‌نماید (۱۰).

مرجع ایجاد شرکت دولتی پیش از انقلاب اسلامی قانون بود و اساسنامه آن‌ها به تصویب یک وزیر یا به تصویب کمیسیون مشترک مجلس یکی از کمیسیون‌های مجلس شورای ملی می‌رسید، پس از تصویب قانون استخدام کشوری ۱۳۴۵ اساسنامه شرکت دولتی می‌بایست یا به تصویب کمیسیون مشترک مجلس یکی از کمیسیون‌های مجلس شورای ملی می‌رسید، در سال ۱۳۴۷ هم ماده ۳۱۰ قانون تجارت به

مادر تخصصی صراحتاً بیان شده است که اساسنامه شرکت به استناد ماده ۴ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹ و بعضاً ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسط هیأت وزیران تصویب شده و به تأیید شورای نگهبان رسیده است (۱۲).

۳. تعیین مسئولیت در حقوق ایران: گروه شرکت‌های هلدینگ و تابعه، یکی از فعالان جامعه اقتصادی امروز بوده که علیرغم نداشتن مقررات ویژه‌ای در نظام حقوقی ایران، چندی است در نظام اقتصادی ایران به فعالیت می‌پردازند. از این رو برای استنباط احکام و قوانین حاکم بر روابط آن‌ها، ناگزیر از مراجعه به قواعد و قوانین عمومی موجود هستیم. یکی از مسائلی که در رابطه با گروه شرکتی مزبور مبتلا به است، مسئولیت و یا عدم مسئولیت شرکت هلدینگ در برابر طلبکاران شرکت‌های تابعه با توجه به سهامدار و مدیریت شرکت هلدینگ در شرکت‌های تابعه و شخصیت حقوقی مستقل هریک از آنان است (۱۳).

۳-۱. مسئولیت شرکت تابعه در فرض ورشکستگی هلدینگ: در بررسی اثر ورشکستگی شرکت مادر بر تابعه نمی‌توان اصل مهم استقلال شخصیت حقوقی در شرکت را نادیده گرفت. همانطور که قبلاً هم گفته شد، اصل استقلال شخصیت حقوقی بر جدایی ساختار سازمانی این دو شرکت تأکید می‌کند که یکی از نتایج آن می‌تواند عدم تأثیرگذاری ورشکستگی یکی از آن دو بر دیگری باشد، اما به دلیل نقش بالایی شرکت هلدینگ در شرکت تابعه و در غالب موارد اکثر سرمایه شرکت تابع متعلق به شرکت هلدینگ است. در فرضی که بیشتر سهام شرکت تابعه متعلق به شرکت هلدینگ است و وضعیت اقتصادی شرکت هلدینگ شرکت تابعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اگر شرکت هلدینگ به دلیل بحران مالی و عدم تأییدیه خود ورشکسته شود، شرکت تابعه نیز ممکن است متضرر شود، بدین‌گونه که پس از ورشکستگی شرکت هلدینگ طلبکارانی که از طریق دارایی شرکت هلدینگ نتوانستند به حقوق خود دست یابند، به سهامی که در شرکت تابعه متعلق به شرکت هلدینگ است رجوع می‌کند، در این حالت اگر شرکت تابع توان پرداخت مبلغی معادل سهام شرکت هلدینگ

تصویب رسید که مقرر می‌داشت شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آن‌ها ذکر نشده تابع مقررات قانون می‌شوند، مطالعه قوانین ضمن اشاره به قانونگذاری و پراکندگی مملو از مشکل نشان می‌دهد که مرجع ایجاد شرکت دولتی پس از انقلاب اسلامی به شرح زیر است:

- شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، مانند اساسنامه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان مصوب مجلس شورای اسلامی: برای مثال شعر شرکت شهرک‌های صنعتی ایران در اجرای قانون تأسیس شرکت شهرک‌های صنعتی ایران و مجلس شورای اسلامی تأسیس شده است، شرکت مزبور که شرکتی سهامی و دولتی مشمول قانون و تأسیس است یا اساسنامه خود و مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی و قانون تجارت است و تمامی سرمایه آن به سهامداران تقسیم‌شده متعلق به جمهوری اسلامی ایران است. لازم به ذکر است تبصره ۱ ماده ۴ قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶ پیش‌بینی کرده است که تشکیل شرکت‌های دولتی تحت هر عنوان صرفاً با تصویب مجلس شورای اسلامی مجاز است (۱۱).

شرکت‌های مادر تخصصی به عنوان یک شرکت دولتی با مجوز مجلس شورای اسلامی یاد می‌شود با توجه به ماده ۴ قانون برنامه سوم توسعه مصوب ۱۳۷۹ که در بخشی از آن گفته شده به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به واگذاری انحلال ادغام و تجدید سازمان شرکت‌های دولتی اصلاح و تصویب اساسنامه شرکت‌ها اقدام کند و مشخص است مرجع ایجاد شرکت‌های مادر تخصصی مجلس شورای اسلامی است، زیرا قانون برنامه سوم توسط مجلس به تصویب رسیده است این قانون اجازه تصویب اساسنامه شرکت‌های مادر تخصصی را به دولت داده است و به همین خاطر اساسنامه شرکت‌های مادر تخصصی به تصویب هیأت وزیران و سپس به تأیید شورای نگهبان می‌رسد. ماده ۷ قانون برنامه چهارم توسعه مصوب بیان می‌دارد که این به اجازه دولت است در اساسنامه شرکت‌های

و خروج آن از شرکت را نداشته باشد، شرکت تابعه نیز به تبع ورشکستگی شرکت هلدینگ ورشکسته می‌شود. اثر دیگر ورشکستگی شرکت مادر بر شرکت تابعه، فرضی است که پس از رجوع طلبکاران شرکت هلدینگ به شرکت تابعه و وصول مطالبات آن‌ها، سرمایه شرکت تابعه از حداقل تعیین شده نزول پیدا می‌کند و شرکت تابعه به دلیل عدم امکان افزایش سرمایه خود تا میزان حداقل منحل می‌شود (۱۴).

۲-۳. انتقال متقلبانه دارایی شرکت هلدینگ بر شرکت تابعه: در صورتی که شرکت هلدینگ به قصد فرار از دین دارایی خود را به شرکت تابع انتقال دهد و برای دادگاه این امر به اثبات برسد طلبکاران شرکت ورشکسته می‌توانند این انتقال متقلبانه را نادیده بگیرند و به سهامی که به این طریق منتقل شده است توسل جویند و آن را موضوع خواسته خود قرار دهند (۱۵).

در مقابل، قرارداد موضوع فرض دوم، اگرچه به شکل صوری منعقد نشده و از همان ابتدا باطل نیست، لیکن ممکن است بر حسب شرایط، قابل خدشه باشد. علاوه بر این، شرکت هلدینگ ممکن است در راستای تجدید ساختار مالی شرکت تابعه در پی سرمایه این شرکت، اقدام به انتقال متقلبانه دارایی خود به شرکت مزبور بدون ذکر آن در گزارش‌های مالی خود کند. این گریز شرکت مادر نیز در صورت اثبات، امکان مراجعه طلبکاران به دارایی انتقال یافته را که از طریق متقلبانه صورت گرفته است، فراهم می‌کند؛ به تعبیر دیگر در مورد انتقال متقلبانه دارایی شرکت هلدینگ به تابعه، طلبکاران شرکت هلدینگ حق دارند که از دو طریق برای رسیدن به طلب خود علیه شرکت تابعه طرح دعوی کنند یا خواسته خود را دریافت سهام به اندازه دارایی منتقل شده مطرح می‌کنند و یا نسبت به برگشت دارایی‌های انتقال داده شده درخواست می‌دهند. در هر دو حالت اگر شرکت تابعه قادر به برآورده کردن خواسته آن‌ها نباشد به تبعیت شرکت هلدینگ ورشکست خواهد شد (۱۶).

در نظام‌های حقوقی پیشرفته، از جمله انگلیس دادگاه‌ها در شرایط و اوضاع و احوال خاص بر مبنای نظری حقوقی نفوذ در پوشش شخصیت حقوقی شرکت تجاری با سوءاستفاده‌های

احتمالی مقابله می‌کند. به عبارت دیگر با عبور از قادری استقلال شخصیت حقوقی شرکت و تحمیل مسئولیت نامحدود بر شرکت‌ها مانع نفوذ اقدامات این اشخاص می‌شوند و معیارهای آن‌ها برای تحمیل چنین مسئولیت این است که اولاً شرکت تحت کنترل انحصاری شریک باشد؛ ثانیاً شریک از موقعیت خاص خود سوءاستفاده کند؛ ثالثاً این سوءاستفاده موجب بروز خسارت به خواهان شده باشد، در صورت وجود این شروع دادگاه‌های انگلستان تقلب و قانون را محرز دانسته و شخصیت حقوقی شرکت را نادیده می‌گیرند (۱۷).

تقلب به معنای بالا دو صورت دارد: اول اینکه از ابتدا قصد تشکیل شرکت وجود نداشته است و شرکت به طور صوری تشکیل شده است؛ حالت دوم زمانی است که شرکت به طور صحیح تشکیل شده، ولی انگیزه تشکیل شرکت دورزدن قانون و تقلب نسبت به آن است. در نظام حقوقی ایران حالت اول ضمانت اجرایی مشخصی دارد، یعنی چنانچه ثابت شود شرکا به صورت صوری شرکت را تشکیل دادند و قصد واقعی مبنی بر تشکیل شرکت نداشتند شرکت باطل است و تفاوتی از نظر انگیزه وجود ندارد (۱۸).

در حالت دوم باید ابتدا تقلب نسبت به قانون را تعریف کرد تقلب نسبت به قانون، یعنی شخص با استفاده از یک وسیله قانونی و صحیح خود را از قید قانون خلاص کند. به عبارت دیگر شخص با استفاده از قوانین و نبود ضمانت اجرا در برخی موارد با سوءاستفاده از آن‌ها حقوق افراد جامعه را پایمال سازد. این حالت ممکن است در مجموعه شرکت‌ها به وجود آید، یعنی زمانی که شرکت به نحو صحیح تشکیل شده است، اما با توجه به محدودبودن مسئولیت و در جهت افزایش سود مجموعه برخی شرکت‌ها تصمیمات انتخاب می‌کنند. شرکت هلدینگ می‌تواند یکی از مصادیق چنین حالتی باشد، یعنی شرکت هلدینگ از این اصل سوءاستفاده کرده و خط مشی که به شرکت تابع کند، به نحوی باشد که برای شرکت تابعه زیان نداشته باشد، ولی برای هلدینگ سودآوری داشته باشد، ولی حقوقی ایران صراحتی در این نوع سوءاستفاده ندارد، ولی می‌توان برای شناسایی مسئولیت از قواعد عمومی بهره جست. در واقع شرکت تجاری ماهیتاً یک قرارداد است قراردادی که

به موجب آن یک یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده آنان تشکیل می‌شود ایجاد کند و به مؤسسه‌ای که برای انجام هدف خاصی تشکیل شده است، اختصاص دهند و در منافع و زیان‌های این فعالیت سهمی باشند (۱۹).

۳-۳. مسئولیت در قبال اشخاص ثالث: شرکت‌های تجاری علیرغم اینکه توسط مدیر عامل و هیأت‌مدیره اداره می‌شوند، اما خودشان دارای مسئولیت مستقیم می‌باشند، یعنی شرکت‌های تجاری همچنان که از عملکرد اداره‌کنندگان خود حقوق و امتیازاتی را کسب می‌کنند به همان اندازه نیز از طریق قرارداد اداره‌کنندگان خود که به نمایندگی از طرف شرکت با اشخاص ثالث منعقد می‌کنند تعهداتی به شرکت‌های تجاری منتقل می‌شوند، البته در صورتی که آن اداره‌کنندگان شرکت‌های تجاری از وظایف و اختیارات خود خارج شوند، شرکت‌های تجاری پس از جبران خسارت می‌توانند به آن شخص اداره‌کننده رجوع کنند. همچنین شرکت‌های تجاری مسئولیت مدنی مستقیم نسبت به تملک یا تصرف حیوانات و اشیاء دارند، مشروط بر اینکه در اثر تقصیر شرکت‌های تجاری حیوانات و اشیاء تحت ملک آن‌ها به اشخاص ثالث خسارت وارد نماید (۲۰). علاوه بر این شرکت‌های تجاری ممکن است نسبت به افعال زیانبار غیر نیز مسئول قرار بگیرند. برای مثال شرکت‌های تجاری متصدی حمل و نقل یا شرکت‌های کارفرما نسبت به اعمال کارگران خود در قبال اشخاص مسئول قلمداد می‌شوند و در صورت ورود خسارت از ناحیه آن‌ها به اشخاص باید از عهده جبران خسارت برآیند. هیأت‌مدیره، هیأتی از میان سهامداران شرکت سهامی است که وظیفه اداره شرکت را بر عهده دارند و مدیر عامل، شخصی است که توسط هیأت‌مدیره برای اداره امور جاری شرکت زیر نظر هیأت‌مدیره تعیین می‌گردد،

حدود اختیارات اعضاء هیأت‌مدیره و مدیرعامل: در این خصوص نکات ذیل قابل توجه است:

در شرکت سهامی، اگر معاملات صورت‌گرفته از سوی مدیران شرکت در راستای موضوع فعالیت‌های شرکت باشد، دارای

کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند و محدودکردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است (ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت) (۲۱). برای مثال اگر موضوع عملیات یک شرکت سهامی واردات و توزیع لوازم الکترونیکی باشد و مدیران آن شرکت، فقط حق انعقاد معاملاتی تا سقف ۲۰۰ میلیون تومان را داشته باشند، ولی اقدام به انعقاد معامله‌ای به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان برای خرید لوازم الکترونیکی بنمایند، گرچه این تعهد بیش از اختیارات مدیران بوده است، اما اشخاصی که با شرکت وارد معامله شده‌اند، همچنان حق رجوع به شرکت بابت اجرای تعهد ۳۰۰ میلیونی را دارند و شرکت نمی‌تواند در برابر آن‌ها به محدودشدن اختیار مدیران خود استناد کند، اما اگر اعضای هیأت‌مدیره اقدام به انعقاد قراردادی نمایند که در راستای فعالیت‌های شرکت نباشد، برای مثال در شرکتی که موضوع آن واردات و توزیع لوازم الکترونیکی است، اقدام به انعقاد قراردادی به نام شرکت، درباره فروش برنج بنمایند، در این صورت دیگر اشخاص معامله‌کننده با شرکت، نسبت به مبلغ مابه‌التفاوت حق رجوع به شرکت را ندارند و باید به خود مدیران امضاکننده رجوع نمایند، چراکه معامله مزبور کلاً از موضوع شرکت خارج بوده است (۲۲).

اگر اعضای هیأت‌مدیره بیش از سقف اختیاراتشان تعهداتی نموده باشند و طلبکاران بابت آن تعهدات به شرکت مراجعه و طلب خود را از شرکت وصول نمایند، شرکت نیز می‌تواند به مدیران امضاکننده آن قراردادها برای جبران خسارات وارده رجوع نماید. در شرکت‌های سهامی و شرکت‌های دارای سهم الشریکه اعضا و شرکای شرکت در برابر اشخاص ثالث مادامی که از حدود وظایف خود برابر قانون تجاوز نکنند، تنها به میزان مبلغ سرمایه‌ای که تعهد کردند مسئولیت دارند، اما در برخی شرکت‌ها مانند شرکت تضامنی و شرکت‌های مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی شرکای ضامن وجود دارند که این شرکا در برابر اشخاص ثالث مسئولیت تام از لحاظ مالی دارند (۲۳).

۴. تعیین مسئولیت در حقوق ایالت متحده آمریکا: بر اساس قانون اساسی ایالات متحده آمریکا، در سیستم حقوقی ایالات متحده آمریکا رسیدگی به درخواست‌های تجدید نظر، چه از دادگاه‌های ایالتی و چه از دادگاه‌های فدرال در دیوان عالی مطرح می‌شود و احکام آن قطعی و لازم‌الاتباع است. این دیوان در حقیقت مرحله پایانی رسیدگی‌های قضایی و نقطه مشترک دو سازمان قضایی ایالتی و فدرال محسوب می‌شود. به همین دلیل احکام آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و در نظام کامن‌لای آمریکا وحدت رویه را در آیین دادرسی ایجاد می‌کند. این وحدت رویه اختلاف نظر میان نظام‌های حقوق عرفی ایالت‌ها را کاهش می‌دهد و سبب می‌شود نوعی وحدت درونی میان نظام حقوقی ایالات متحده ایجاد شود (۲۴).

۴-۱. آثار حقوقی مسئولیت هلدینگ و شرکت‌های تابعه در نظام حقوقی آمریکا: اولین منشور (اساسنامه) شرکت‌های هلدینگ توسط مجلس قانونگذاری ایالتی که به صراحت کنترل سهام شرکت‌های دیگر مجاز بود، اعطا شد، با این وجود، استفاده گسترده از هلدینگ، به خصوص پس از آزادسازی عمل ادغام عمومی در نیوجرسی و چند ایالت دیگر در سال ۱۸۸۹ شروع شد. این نشان می‌دهد که استفاده از اساسنامه در نیوجرسی و بعدها در ایالت دلاور از عوامل دیگر از جمله، درمان مالیات‌های مساعد و خواسته‌های مالی و فنی و بازاریابی و فرصت‌های کسب و کار در مقیاس بزرگ ریشه دارد. همچنین در سال ۱۹۰۱ فولاد ایالات متحده به نام (بزرگ‌ترین شرکت جهان) نشانه پذیرش شرکت هلدینگ در ساخت و استخراج معادن است. تا حدودی بعد، سیستم‌های گسترده شرکت هلدینگ در بانکداری و مالی و خدمات عمومی تشکیل شد. شرکت‌های آمل منفعه‌الدین از دهه ۱۹۲۰ به عنوان انحصارطلب مورد اعتراض قرار گرفتند. اعتراض به آن‌ها همراه با شکست تعدادی از سیستم‌ها در اوایل دهه ۱۹۳۰ منجر به تصویب قانون عمومی شرکت هلدینگ آب و برق در سال ۱۹۳۵ شد. در سال ۱۹۵۶ شرکت، دو یا چند بانک را تحت کنترل دولت فدرال قرار داد (۲۵).

توجه دولت در دهه ۱۹۶۰ و اوایل ۱۹۷۰ به کنگومرا (شرکت هلدینگ بسیار متنوع) و شرکت هلدینگ بانک محور معطوف شد. هر دوی این‌ها معیار سنجش کنترل دولت فدرال در اوایل قرن ۱۹۷۰ شد و وزارت دادگستری برای جلوگیری از برخی نتایج سابق کنگره، اصلاح قانون شرکت هلدینگ بانکی در سال ۱۹۵۶ که فعالیت شرکت هلدینگ بانکی را محدود ساخته بود، در سال ۱۹۷۰ بازگرداند. قانون «گرام لیچ بیلری (Gramm Leach Bilry)» در سال ۱۹۹۹، ایده تفکیک مقوله بانکداری از تجارت را بررسی نمود و تا حدودی قانون ۱۸۶۳ را اصلاح نمود و امکان وابستگی میان بانک‌های تجاری و بانک‌های سرمایه‌گذار را تحت ساختار شرکت هلدینگ مالی فراهم نمود که این قانون اصلاح قانون شرکت هلدینگ بانکی را اجازه می‌دهد (۲۶).

اواخر دهه ۱۹۶۰، با افزایش شکل‌گیری شرکت‌های هلدینگ بیمه در ایالت متحده، این دوره به عنوان دوره شرکت هلدینگ در زمینه بیمه شناخته شده است، مانند تأسیس مؤسسه مالی CNA به عنوان یک شرکت حلیم در طول همان دوره است. فعالیت شرکت هلدینگ تخصصی مال CNA محدود به موارد زیر بود:

برنامه‌ریزی برای فعالیت‌های خود و هماهنگ فعالیت‌های برنامه‌ریزی‌شده شرکت‌های تابعه آن کنترل بدون مدیریت فعالیت‌های شرکت‌های تابعه به دست‌آوردن شرکت‌های تجاری با توجه به طرح در سال ۱۹۸۲، قانون صادرات تجاری شرکت هلدینگ به تصویب رسید که در آن به بانک‌های ایالات متحده جاده اجازه صادرات که ارائه‌دهنده خدماتی از قبیل پوشش بیمه صادرات، حمل و نقل و انبارداری محصولات قابل فروش، تأمین مالی تجارت و سرمایه‌گذاری تحقیقات را ارائه می‌دهد، خدمات مالی قانون نوسازی مصوب ۱۹۹۹، ارائه‌دهندگان خدمات مالی به عنوان شرکت‌های هلدینگ مالی مجاز به ارائه بانکداری، بیمه، اوراق بهادار و سایر خدمات مالی سازمان یافته می‌شود.

حداقل از سال ۱۹۶۳ بانک‌هایی که به صورت اتحادی سازمان‌بندی شده‌اند، مجاز شده‌اند که تنها در حرفه بانکداری به فعالیت خود ادامه دهند. بنابراین از شرکت در فعالیت‌های

به قرارگرفتن آن‌ها در بدهی به اشخاص ثالث می‌شود. این مسأله از آن جهت اهمیت دارد که شرکت تابعه به دلیل عدم دارایی کافی ورشکست می‌شود و شخص ثالث طلبکار موفق به دریافت بدهی خود نمی‌شود.

نظام‌های حقوقی کشورهای غربی قاعده «حجاب شخصیت حقوقی» را در رابطه بین دو شرکت، از جمله هلدینگ و تابعه پذیرفته‌اند، اما همه آن‌ها، چه از طریق قوانین مدون و چه از طریق مبنای حقوقی (از جمله تقلب و سوءاستفاده از حق)، در شرایطی قائل به «خرق حجاب شخصیت حقوقی» می‌شوند و شرکت هلدینگ را در برابر بدهی شرکت تابعه مسئول قرار می‌دهند.

شرکت هلدینگ شرکتی است که با تملک بیش از ۵۰ درصد سهام دارای حق رأی یک یا چند شرکت دیگر (تحت عنوان تابعه)، به هیأت‌مدیره آن‌ها راه پیدا می‌کند و با داشتن حق عزل و نصب اعضای هیأت‌مدیره و گماشتن نمایندگان خود در آن شرکت به کنترل و مدیریت تابعه می‌پردازد. از بارزترین خصوصیات شرکت هلدینگ که سبب تمایز آن از شرکت‌های مشابه می‌شود، داشتن حق «کنترل» شرکت تابعه می‌باشد.

قانون تجارت ایران علیرغم گسترش شرکت‌های هلدینگ در سطح کشور، فاقد مقررات لازم نه تنها در زمینه ماهیت و تعریف شرکت‌های هلدینگ، بلکه در زمینه قوانین حاکم بر روابط حقوقی و مالی شرکت‌های هلدینگ و تابعه می‌باشد؛ این در حالی است که حتی رویه قضایی مشخصی نیز در این زمینه وجود ندارد. لایحه تجارت هم که در جریان تصویب می‌باشد، تنها به تعریف بسنده کرده است. همین مسائل سبب شده است تا مشکلات زیادی در مورد ارتباط شرکت‌های هلدینگ با اشخاص ثالث ایجاد شود. با این حال، می‌توان همانند نظام‌های حقوقی غربی و با استناد به برخی اصول و قواعد حقوقی که وجود دارد، نظریه سوءاستفاده از حق، نظریه مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه، نظریه مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، قاعده من له الغنم فعلیه الغرم و برخی دیگر از قوانین موجود می‌توان شرکت مادر را

کاملاً تجاری منع شده‌اند و کنگره اصل تفکیک‌نمودن امور بانکی تجارت را برای شرکت‌های اصلی بانک‌ها و هم‌پیمانان آن‌ها توسعه و گسترش داده است که با تصویب قانون شرکت‌های هلدینگ بانکی در سال ۱۹۵۶ همخوانی دارد. دلایل کلیدی مربوط به سیاستگذاری در تفکیک بانکداری از حالت تجاری به لحاظ عرفی شامل نیاز به حفظ ایمنی و صحت مؤسسات سپرده‌گذاری بیمه و حصول اطمینان از جریان مؤثر و منصفانه و کارآمد اعتباری برای شرکت‌های اقتصادی تولیدی می‌شود (توسط جلوگیری از رقابت ناعادلانه و تضاد منافع) که برای اجتناب از تجمع بیش از حد قدرت مالی و اقتصادی در بخش مالی به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

نتیجه‌گیری

چنانچه شرکتی از طریق تملک اکثریت سهام شرکت دیگر، کنترل و نظارت بر آن شرکت را به دست آورد، به گونه‌ای که قادر باشد در تصمیمات مجامع عمومی حضور مؤثری داشته یا قادر به انتخاب و یا عزل اعضای هیأت‌مدیره باشد، شرکت نخست را شرکت مادر و دیگری را شرکت تابعه گویند. وجود رابطه تبعیت و وابستگی میان دو شرکت، فی‌نفسه امر نامطلوبی نیست، بلکه می‌تواند حداکثر کارایی را داشته باشد، ولی در مواردی خواسته یا ناخواسته، شرکت تابعه عامل ورود زیان به غیر می‌شود و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا شرکت مادر پاسخگوی این اقدامات است یا خیر؟

برابر قاعده کلی استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها از یکدیگر، اصولاً شرکت مادر مسئولیتی در این خصوص ندارد. انجام امور تجاری و اقتصادی از طریق گروه شرکت‌ها، هرچند از مسائل نوین حقوق تجارت است، اما نظام‌های حقوقی غربی متناسب با تحولات این حوزه، نه تنها قوانین و مقررات لازم را وضع کرده‌اند، بلکه رویه قضایی آن‌ها نیز همسو با این پدیده مستقر گردیده است.

مسأله مهمی که با شکل‌گیری رابطه هلدینگ و تابعه به وجود می‌آید و بسیاری از نظام‌های حقوقی به آن پرداخته‌اند، مبحث مسئولیت شرکت هلدینگ در برابر فعالیت‌های تابعه که منجر

پاسخگوی خسارات وارد به غیر دانست و به مسئولیت هلدینگ در قبال تابعه پی برد.

پیشنهاد می‌شود تا قانونگذار با الهام از قوانین کشورهای دیگر، نسبت به تدوین مقررات جامع در رابطه با شرکت‌های هلدینگ اقدامات لازم را مبذول دارد، علی‌الخصوص که لایحه قانون تجارت در جریان تصویب است و می‌تواند فرصت خوبی برای برداشتن گام در این جهت و رفع کمبود قانون تجارت باشد.

مشارکت نویسندگان

فریده امیریان جهرمی: نگارش مقاله، جمع‌آوری داده‌ها، گردآوری منابع.

سیدمحسن حسینی پویا و مجتبی زاهدیان: نگارش مقاله، نظارت و راهنمایی بر مقاله.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Skini R. Commercial law generalities, commercial Acts, merchants and organization of Commercial Activity. Tehran: Samt Publications; 2001. [Persian]
2. Aminaie AR. Holdings in Iran. *Dunyai Ekhtaz Newspaper*. 2019; No.2347. [Persian]
3. Bariklo AR. Civil Responsibility. Tehran: Mizan Publishing House; 2015. Vol.1. [Persian]
4. Bagheri M. The role of corporate law and the stock market in the success of privatization. 1st ed. Tehran: Research Center of the Islamic Council; 2019. [Persian]
5. Joneydi L, Zare M. Directors' Liability under the Doctrine of Piercing the Corporate Veil: The Directors' Liability for Corporate Debt. *Comparative Law Studies*. 2015; 6(1): 85-105. [Persian]
6. Farjam B, Joneydi L, Eskandari H. The Effect of Bankruptcy of Parent and Subsidiary Corporations on Each other with Scrutiny in Their Mutual Relations and Responsibility. *Private Law Studies Quarterly*. 2017; 47(2): 231-249. [Persian]
7. Chavoshi B. Investigation of holding companies in America. *Economy Magazine*. 2007; 67: 18-27. [Persian]
8. Rahim Levy A. Investigating multi-sector structures, SUB holding and providing a suitable structure for provincial rural water and sewage companies. 2018.
9. Rezaei A. The Liability of a Mother Company Towards its Subsidiary (A Comparative Study between the French, Belgian and Iranian Legal Systems). *Comparative Law Studies*. 2017; 8(1): 151-177. [Persian]
10. Zare M. Breaking the Hijab of the Company's Legal Personality. Doctoral Dissertation in Private Law. Tehran: University of Tehran; 2012. [Persian]
11. Zende Del B, Zahedi Ghasemian Y. Strategic processes in holding organizations. *Tadbir Monthly*. 2007; 182: 20-23. [Persian]
12. Sajjadinia M. Value-creating strategies in Tehran holding companies. Edited by Mokhtari H. Tehran: Termeh Publications; 2013. [Persian]
13. Shabbazinia M, Isaei Tafreshi M, Kaviani K, Faraji E. Passing the legal personality of the company in the assumption of fraud by the partner in Iranian and British law. *The Judiciary Journal*. 2011; 75(74): 9-39. [Persian]
14. Safaei SH, Rahimi H. Civil Liability (obligations outside the contract). Tehran: Samit Publications; 2013. Ch.6. [Persian]
15. Alavi Qazvini SA, Masoudianzadeh SZ. Ghaede "Man Leh Al-Ghanam Felieh Al-Ghoram". *Research Journal of Legal Thoughts*. 2015; 4: 75-92. [Persian]
16. Faraji E. influence in the cover of the legal personality of a commercial company. Private Law Doctoral Dissertation. Tehran: Tarbiat Modares University; 2019. [Persian]
17. Katouzian N. Liability due to production defect. Tehran: University of Tehran; 2004. Vol.2. [Persian]
18. Kaviani K, Ghasemi Moghadam S. The Liability of Parent Company against the Debt of its Insolvent Subsidiaries. *Journal of Private Law*. 2015; 3(5): 27-50. [Persian]
19. Lor Rasa M. Civil Responsibility. Translated by Ashtari M. Tehran: Nashr-e Hoghooghda; 1996. [Persian]
20. Masoudianzadeh Z. Civil liability arising from the actions of spectators of sports competitions. Master's Thesis. Tehran: Faculty of Law, Tehran University; 2010. [Persian]
21. Mustafavi SMK. Al-Feghh al-Magharen. Qom: Islamic Publications Office, 2000. Vol.2. [Arabic]
22. Bonbright JC, Means GC. The holding company: It's public significance and it's regulation. *Journal of Political Economy*. 1933; 41(3): 413-416.
23. Chandler JR, Alfred D. Strategy and Structure: Chapters in the History of the American Industrial Enterprise. Massachusetts: The M.I.T Press; 1962.
23. Cheng TK. The Corporate Veil Doctrine Revisited: A Corporate Study of the English and the U.S. Corporate Veil Doctrine. *Boston College International and Corporate Law Review*. 2011; 34(1): 1-83.
24. Clarke A. Business Entities-Practical Guide. Mytholmroyd, Edinburgh: Sweet & Maxwell; 1996.
25. Echanis ES. Holding companies; A structure for managing diversification. *Philippine Management Review*. 2009; 16: 1-12.
26. Douglas MC. To Know a Veil. *The Journal of Corporate Law*. 2000; 26(1): 41-62.